



حقیقت آنچه در نیجریه می گذرد

۵

بیت المقدس

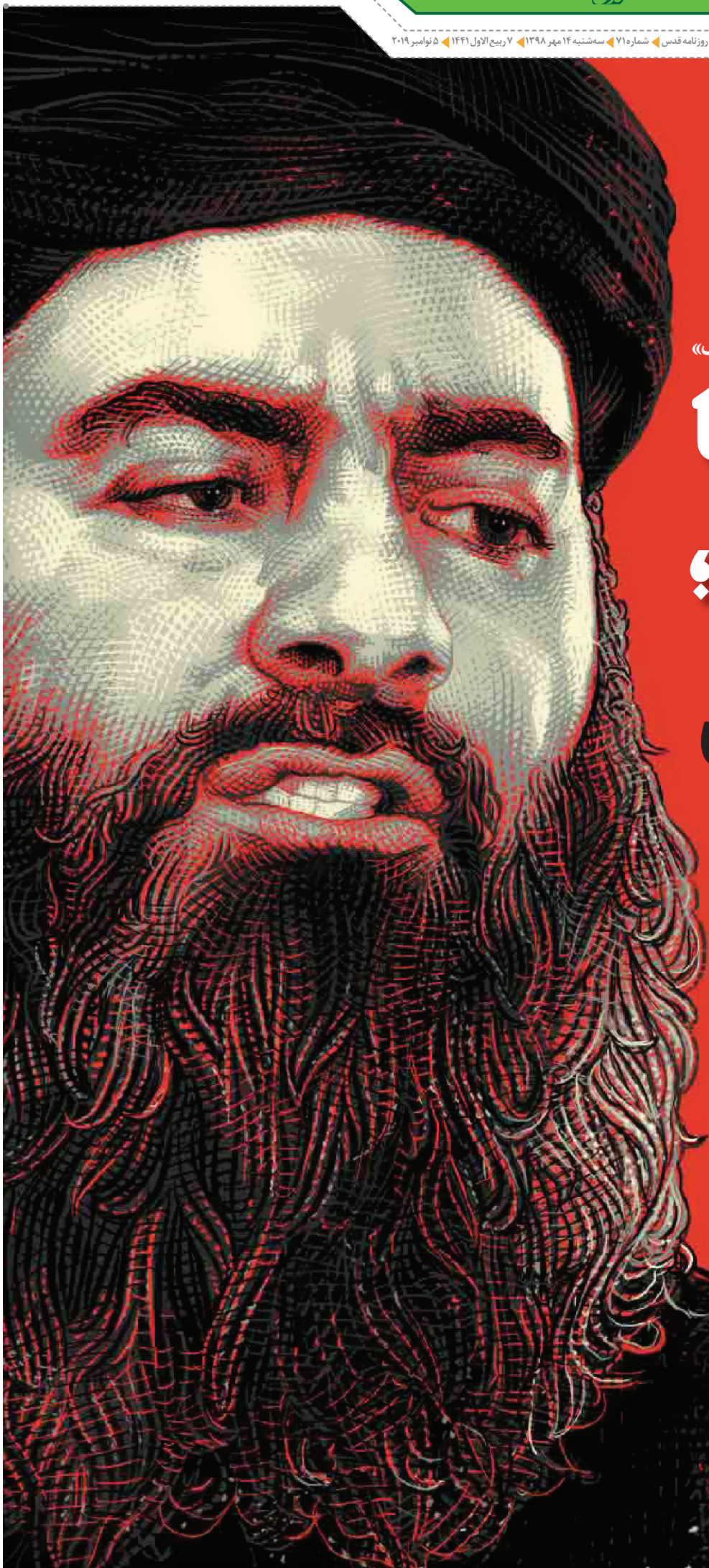
بیت المقدس

«دکتر مروا عثمان» در گفت و گو
بابت المقدس:
باید مراقب نفوذ احتمالی
نیروهای مخرب
خارجی بود



۲

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس | شماره ۷۱ | سه شنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۸ | ۷ ربیع الاول ۱۴۴۱ | ۵ نوامبر ۲۰۱۹



مانور تبلیغاتی واشنگتن برای کشتن «مُرده متحرک»

سریال نخ نما این قسمت؛ البغدادی

۳



وزارت خارجه سوئد: جنبش تحریم "اسرائیل" یک جنبش سیاسی مشروع است
وزیر خارجه جدید سوئد تاکید کرد که جنبش جهانی تحریم رژیم صهیونیستی BDS یک جنبش مشروع است و دولت متبوعش هیچ ارتباطی میان فعالیت‌های این جنبش و موارد یهودی‌ستیزی نمی‌بیند. آن‌لیند در اظهاراتی در پارلمان سوئد اظهار داشت که کشورش و اتحادیه اروپا از نهادهای جامعه مدنی که به شیوه‌های مختلف برای تقویت دموکراسی و حقوق بشر در اراضی اشغالی فلسطین تلاش می‌کنند، حمایت می‌کنند.
لیند تاکید کرد که جنبش تحریم رژیم صهیونیستی یک وسیله و ابزار مشروع سیاسی بعنوان بخشی از مبارزه سیاسی به دور از خشونت برای دفاع از حقوق بشر و دموکراسی، آزادی بیان و توقف اشغالگری است. وی تصریح کرد که کشورش از سازمان‌ها و نهادهایی که رژیم اشغالگر صهیونیستی را مورد انتقاد قرار می‌دهند، حمایت می‌کند.

«دکتر مروا عثمان»، استاد دانشگاه بین‌المللی بیروت در گفت‌وگو با بیت المقدس:

امیر محمد اسماعیلی

لبنان در مرحله‌ای حساس؛ باید مراقب نفوذ احتمالی نیروهای مخرب خارجی بود



دکتر مروا عثمان، استاد دانشگاه بین‌المللی بیروت و همچنین دانشکده معارف لبنان است. حوزه تمرکز این تحلیل‌گر روزنامه‌نگار، مسائل سیاسی غرب آسیا، به ویژه مسائل سیاسی لبنان و فلسطین است. این استاد دانشگاه با رسانه‌های متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری دارد؛ موضوعی که از او شخصیتی بین‌المللی در تحلیل مسائل منطقه ساخته است. آشنایی دکتر عثمان با جریان‌های سیاست داخلی لبنان سبب شد تا در خصوص ابعاد مختلف اعتراضات اخیر لبنان به گفت‌وگو بپردازیم. نقش و تأثیر دولت لبنان در اعتراضات اخیر، واکنش حزب الله نسبت به اعتراضات ابعاد اقتصادی و سیاسی آن، پیامدهای این اعتراضات برای آینده لبنان، بحث دخالت نیروهای بیگانه و بررسی راه‌حل‌های محتمل از جمله محورهای این گفت‌وگو بودند.

محاسبات سیاسی است که پیش از این معامله سیاسی (توافق نامه ریاست جمهوری ۲۰۱۶) واقع شده است. حریری به همراه ولید جنبلاط، رئیس حزب سوسیالیست ترقی خواه و سمیر جعجع، رئیس حزب نیروهای لبنانی، قصد دارند با عزل جبران باسیل وزیر امور خارجه (داماد رئیس جمهور عون) که در اعتراضات شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته، دوباره شاخه‌های این توافق سیاسی را مورد مذاکره قرار دهند.

به نظر می‌رسد که حریری به نوبه خود، بازی طولانی را ادامه می‌دهد و امیدوار است که تصمیم وی برای استعفا باعث خشم عمومی شود و در نهایت به او کمک کند تا سرمایه‌های سیاسی خود را دوباره به دست آورد. در عین حال، وی و متحدانش بر این باورند که پایان دادن به توافق ریاست جمهوری با حزب الله ممکن است به معنای از بین رفتن سیاسی آن‌ها باشد؛ چراکه جایگزین آن معترضان خشمگینی هستند که به دنبال جایگزینی آن‌ها هستند.

به نظر شما تشکیل کابینه چه مدت طول می‌کشد؟ پیامدهای این اعتراضات چیست؟ آیا موضوع دخالت قدرت‌های بیگانه مطرح است؟

تشکیل کابینه یک روند طولانی در سیاست لبنان محسوب می‌شود و موفقیت آن تا حدودی به توانایی معترضان برای ادامه فشار در خیابان‌ها بستگی دارد. در این میان نباید از تحریکات احتمالی و مداخلات خارجی که سعی در ربودن مطالبات مردم دارند، غفلت کرد. در هر صورت، استعفای حریری به دور از حل بحران، کشور را به سمت آشفتگی سیاسی سوق داده است. در کوتاه مدت، به احتمال زیاد لبنان با بن بست سیاسی روبرو خواهد شد و این تا زمانی ادامه خواهد داشت که نیروهای مختلف گزینه‌های خود را وزن کنند. البته باید مراقب نفوذ احتمالی نیروهای مخرب خارجی بود.

به نظر شما، راه حل به چه عواملی بستگی دارد؟

هر گونه راه حل سریع تا حد زیادی به این موضوع بستگی دارد که آیا نظام سیاسی لبنان همچنان بر انکار کردن مخالفان خود باقی می‌ماند و یا از خود انعطاف‌پذیری نشان داده و نهایتاً واقعیت‌های جدید اعتراضات لبنان را می‌پذیرد. این در حالی است که از معترضان خواسته می‌شود مراقب مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی باشند که ممکن است خواسته‌های آن‌ها را به جای خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی علیه الیگارشی به خواسته‌هایی سیاسی و فرقه‌ای سوق دهد.

واکنش حزب الله را چگونه می‌بینید؟
در این میان سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله خواستار تشکیل سریع دولت جدید لبنان شد که باید به خواسته‌های معترضان گوش فرادهد و برای بازگرداندن اعتماد تلاش کند. نصرالله در سخنرانی تلویزیونی روز جمعه عنوان کرد که استعفای سعد حریری که در نتیجه اعتراضات گسترده علیه نخبگان حاکم بوده، برنامه‌های اصلاحات دولت را متوقف کرده است.

بحث‌های اقتصادی در اعتراضات لبنان چه مقدار پر رنگ بودند؟ نقش بانک‌ها در این میان چیست؟

بانک‌های لبنان که از ۱۸ اکتبر بسته شده بودند، روز جمعه بازگشایی شدند و صف‌های طولانی در بیرون بانک‌ها شکل گرفت و البته مشتریان با محدودیت‌های جدید در نقل و انتقالات خارج از کشور و برداشت حساب‌های دلاری خود مواجه بوده‌اند. اگر چه هیچ کنترل رسمی اعمال نشده، اما بانک‌ها به مشتریان گفتند که آن‌ها فقط می‌توانند تحت

دبیر کل حزب الله خواستار تشکیل سریع دولت جدید لبنان شد که باید به خواسته‌های معترضان گوش فرادهد و برای بازگرداندن اعتماد تلاش کند

شرایط خاصی وجود خود را به خارج از کشور انتقال دهند، از جمله بازپرداخت وام، آموزش، بهداشت، حمایت از خانواده یا تعهدات تجاری. بانک مرکزی قول داده بود هنگام بازگشایی بانک‌ها، کنترل سرمایه را اعمال نکند؛ اقداماتی که می‌توانست مانع از ورود ارز و سرمایه‌گذاری مورد نیاز لبنان شود. ریاض سلمه، رئیس بانک مرکزی پیش از این هشدار داده بود که لبنان در آستانه فروپاشی اقتصادی است، مگر اینکه «راه‌حل فوری» برای پایان روزهای اعتراضات سراسری که کشور را فلج کرده است، پیدا شود.

خواسته‌های سیاسی طرف‌های سیاسی در لبنان چیست؟ حریری چه خط فکری را دنبال می‌کند؟

اعتراضات لبنان اکنون بر توافق نامه ریاست جمهوری ۲۰۱۶ فشار وارد ساخته است؛ توافقی که وضعیت سیاسی و امنیتی لبنان را تثبیت کرده اما توافق تقسیم قدرت فرقه‌ای را تقویت نمود. این فشار عمومی به معنای دعوت از الیگارشی حاکم برای بازگشت به

یک سوم کاهش داد، اما همچنان محبوب‌ترین سیاستمدار در بین اهل سنت لبنان محسوب می‌شود. این موضوع از این جهت مهم است که در لبنان نخست‌وزیر باید سنی باشد، رئیس مجلس شیعه و رئیس‌جمهور یک مسیحی مارونی. اعتراضات گسترده در ۱۷ اکتبر در سراسر لبنان علیه طرح پرداخت مالیات بر تماس با واتس‌آپ و سایر خدمات پیام‌رسانی آغاز شده است. این اعتراضات به سرعت به اعلام شکایت‌های گسترده‌تری تبدیل و خواستار استعفای دولت و پاسخ‌گویی مقامات فاسد شد.

آیا اقدام دولت برای آرام کردن اعتراضات تأثیری داشته است؟

اگر چه دولت یک سری از برنامه‌های اصلاحات را برای بهبود اوضاع اعلام کرد، اما این برنامه‌ها فاقد گام‌های مشخصی بودند و عملاً در آرام کردن تظاهرات و یا اطمینان کافی به طرف‌های وام‌دهنده برای در اختیار قرار دادن میلیون‌ها دلار به کمک‌های ضروری شکست خوردند.

سخن نخست

فقدان سواد رسانه‌ای و موج سواری دشمنان

محمد مهدی رحیمی



منطقه غرب آسیا روزهای خبرساز را پشت سر می‌گذارد، اگر چه این منطقه در ادوار مختلف و هر بار در کشور یا کشورهایی با حوادث مختلفی مواجه شده است اما این روزها دو کشور کانونی منطقه غرب آسیا درگیر تحولاتی هستند که بیش از همیشه اخبار آن‌ها و جزئیات اتفاقات در شهرهای مختلف و به اصطلاح در کف خیابان به افکار عمومی نه فقط ساکنان آن کشور که همه کشورهای منطقه و به تعبیر درست‌تر همه مردم جهان با سرعتی مثال‌زدنی مخابره و منتقل می‌شود. طبیعتاً این اتفاق یعنی گسترش اطلاع‌رسانی و دسترسی عمومی به اخبار را باید یک پدیده مفید و رو به جلو به حساب آورد. اما همین مزیت در شرایطی می‌تواند معایب و حواشی را بدنبال داشته باشد.

سرعت، تنوع و حجم تصاویر و اخبار مخابره شده از لبنان و عراق و مناطق مختلف این دو کشور به حدی است که ناظران بیرونی تحولات را با این داده اشتباهه مواجه می‌کنند که قطعاً حجم اعتراضات یا به تعبیری اغتشاشات بسیار گسترده است و همه این کشورها را در بر گرفته و عمده مردم در خیابان‌ها حضور دارند. در صورتی که با تحقیق بیشتر و با پیگیری رسانه‌های رسمی و شناسنامه‌دار به گزاره‌های غیر از این دست پیدای می‌کنیم. در واقع امروزه شبکه‌های اجتماعی کوچکترین اتفاقی را چنان می‌توانند بزرگنمایی کنند که همگان را به اشتباه بیندازد.

اما این تنها اشتباه و داده غلطی نیست که به مخاطبین از طریق فضای مجازی منتقل می‌شود، مسئله مهم‌تر تصویرسازی غلط و ضرب‌بند دادن به گوشه‌ای از واقعیت‌ها و نشان دادن آن به جای کل واقعیت و به بیان دیگر ارائه و مصادره به مطلوب کردن اعتراضات به سمت نگاهی خاص یا اراده‌ای خاص است.

این ایام شاهد بخش فیلم‌ها یا تصاویری از نارامی‌ها در عراق و لبنان و به ویژه در عراق بودیم که تلاش ویژه‌ای داشتند تا نشان بدهند که سمت و سوی این تظاهرات علیه گروه حشد الشعبی یا به طور واضح‌تر علیه جمهوری اسلامی ایران است و همچنین تلاش می‌کردند نشان بدهند که نیروهایی از جانب ایران برای مدیریت باس کوب اعتراضات عراقی‌ها به این کشور اعزام شده‌اند. مخاطب اطلاعات دسته اول ایرانی‌ها بودند که می‌خواستند نگاه منفی به کشور برادر و همسایه‌شان پیدا کنند، کشوری که تنها ۲۰ روز قبل میزبان بیش از ۳ و نیم میلیون ایرانی بوده و تلاش شد نشان بدهند که همان میزبانان حالا علیه ایرانی‌ها شعار می‌دهند. مخاطب دسته دوم اطلاعات خاص و هدایت شده هم ملت عراق بودند تا آنها را دچار این توهم بکنند که این ایرانی‌ها عامل عقب‌ماندگی شما هستند و اکنون هم برای سرکوب شما آمده‌اند. در سال‌های اخیر نمونه‌های جدی‌ای از تلاش دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای ایجاد بدبینی بین دولت ایران و عراق شاهد بودیم به راحتی می‌شود علت این خبرسازها و تلاش‌های متعدد و متنوع را یافت که آنهم چیزی نیست جز نگرانی آنها از نزدیکی دو ملت و نزدیکی دولت‌های دو کشور مهم در منطقه. مسئله و دریافت مهمی که از همه این خبرسازها و اتفاقاتی که در حوزه اطلاع‌رسانی و در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد، می‌توانیم کسب کنیم، مسئله مواجهه با فیک نیوز هاست. برای مواجهه و غلبه بر آنها ما نیاز به موضوع مهمی به نام «سواد رسانه‌ای» داریم که متأسفانه دشمنان و رقبای کشورهای غیر توسعه یافته و به ویژه در منطقه ما از این عدم تسلط ملت‌ها به سواد رسانه‌ای حداکثر بهره را می‌برند و تلاش می‌کنند با جریان‌سازی‌های غلط و بالقای اخبار ساختگی، ضرب‌بند دادن به اخبار کم‌اهمیت و برجسته کردن اتفاقات حاشیه‌ای، افکار عمومی را تحت کنترل خودشان در بیاورند و بعد به آن‌ها جهت بدهند. همین مسئله نشان می‌دهد که ما با قید فوریت نیاز داریم که در میان مردم خودمان و البته دوستان و برادرانمان در عراق، لبنان، سوریه و کشورهای دیگر متعلق به محور مقاومت، برای افزایش سواد رسانه‌ای عمومی تلاش کنیم.



▶ **پل جدید بین عربستان و بحرین به ارزش ۳ میلیارد دلار**
 کانال خبری تلویزیون عربستان از احداث پل جدیدی بین عربستان و بحرین خبر داد. ارزش قرارداد امضا شده برای مرحله انتقالی ۱۱ میلیارد ریال سعودی (۲.۹۳ میلیارد دلار) اعلام شده است.
 همچنین در این خبر آمده است ارزش قرارداد مشاوره ای پروژه ۲۳.۶ میلیون ریال سعودی است.
 جزئیات بیشتری در این خصوص نشر نشده است.

قلب زمین

رامین حسین آبادیان

مانور تبلیغاتی واشنگتن بر کشتن «مُرده متحرک»

سریال نخ‌نما، این قسمت؛ البغدادی



پس از انتشار خبر کشتن «ابوبکر البغدادی» توسط آمریکا بسیاری از کارشناسان و ناظران سیاسی اعلام کردند که طنز تلخی تحت عنوان «تشکیل و نابودی تروریست‌ها» توسط آمریکایی‌ها به راه افتاده است

در واقع همان عبدالله قرداش ملقب به ابو عمر ترکمانی است و به منظور ممانعت از فاش شدن هویتش، نامی جدید از وی عنوان شده است. «عبدالله قرداش» یک عراقی ترکمانی است که پیشتر در زندان «بوکا» در شهر «بصره» عراق زندانی بوده است و سابقه آشنایی وی با «البغدادی» نیز به حضور همزمانشان در زندان مذکور بازمی‌گردد؛ زندانی که البته پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، توسط نیروهای آمریکایی اداره می‌شد و این ۲ سرکرده تکفیری در همین زندان و تحت نظارت واشنگتن پرورش یافتند.

فاضل ابورغیف «کارشناس امنیتی عراقی در خصوص «قرداش» می‌گوید: «او به بی‌رحمی و افراطی‌گری مشهور است. قرداش حتی در بین خود اعضای داعش هم به قساوت شهره بوده و هست». در همین حال، «عبدالله قرداش» از افسران سابق ارتش صدام معدوم نیز محسوب می‌شود. او مدتی سمت قاضی شرعی گروه القاعده را بر عهده داشته است. شبکه عراقی «سومریه نیوز» می‌نویسد: «قرداش از نزدیکان ابوعلا العفری، معاون بغدادی که در سال ۲۰۱۶ به هلاکت رسید، بود. وی از اولین کسانی است که بعد از سقوط موصل، از البغدادی استقبال کرد». در هر صورت، پر واضح است که گروه‌های تروریستی - فارغ از نام و نشان‌شان - همواره نقش پیاده‌نظام آمریکا را ایفا کرده‌اند و عنصر ثابت جنگ‌های نیابتی این کشور در نقاط مختلف جهان بوده‌اند. از همین روی، ناگفته پیداست که «البغدادی»‌ها در آینده نیز تحت اسامی و عناوینی مختلف توسط آمریکایی‌ها باز تولید خواهند شد.

اینگونه به نظر می‌رسد که تشکیل گروه‌های تروریستی و استفاده از کارت آن‌ها و سپس نابودی‌شان درست در زمانی که دیگر هیچ کارآمدی ندارند، به یک استراتژی ثابت در نزد مقامات آمریکایی تبدیل شده است. به عنوان نمونه، پیشتر نیز آمریکایی‌ها در سال (۲۰۱۱) اعلام کردند که «اسامه بن لادن» سرکرده «القاعده» رادر ویلایی در پاکستان به قتل رسانده‌اند.

آن‌ها در سال ۲۰۱۶ نیز اعلام کردند که «اختر منصور» جانشین سرکرده «طالبان» رادر «بلوچستان» پاکستان کشته‌اند. این در حالی است که گروه‌های تروریستی نظیر «القاعده» و «طالبان» ساخته دست آمریکایی‌ها بوده و در طول سالیان متمادی مورد حمایت‌های همه‌جانبه واشنگتن قرار گرفته‌اند. اکنون نیز در امتداد همین سیاست و به عبارت بهتر «طنز تلخ» آمریکایی‌ها پس از تشکیل داعش و پرورش البغدادی، به قتل آن افتخار می‌کنند. در همین ارتباط، «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه می‌گوید: «اگر آمریکا، البغدادی را کشته باشد، در واقع ساخته دست خود را نابود کرده است». اینگونه به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها پس از تبدیل شدن تروریست‌های تحت‌الحمایه خود به یک مَهره سوخته، از بیم فاش شدن اسرارشان، اقدام به قتل آن‌ها می‌کنند.

جانشین «البغدادی» کیست؟

تروریست‌های داعش اخیراً «ابو ابراهیم القریشی» را به عنوان جانشین «ابوبکر البغدادی» معرفی کرده‌اند. در همین راستا، «حسن ابوهنیه» کارشناس اردنی در حوزه گروه‌های تروریستی می‌گوید: «ابو ابراهیم القریشی

روسیه نیز در سخنانی تصریح کرد: «نظامیان ما در حال تحقیق برای یافتن حقایق هستند و مانعی توانیم اظهارات مقامات واشنگتن در خصوص کشتن البغدادی را تأیید کنیم». سازمان ملل متحد نیز موضعی مشابه موضع روسیه را اتخاذ کرد. «فرحان حق» سخنگوی سازمان ملل متحد در این خصوص تأکید کرد: «نمی‌توانیم اعتبار اظهارات مقامات آمریکا در مورد مرگ ابوبکر البغدادی را تأیید کنیم؛ چندین مرجع مختلف باید اینگونه اطلاعات را تأیید کنند».

بازی واشنگتن در نقش ناجی

واقعیت این است که آمریکا با سناریوی جدید کشتن البغدادی - فارغ از صحت و سقم ادعای مطرح‌شده - در حال بازی در نقش یک ناجی برای ملت‌های منطقه است. مقامات آمریکایی و در رأس آن‌ها «دونالد ترامپ» تلاش می‌کنند تا از رهگذر مانور بر سناریوی کشتن البغدادی از خود یک «چهره قهرمان» در نزد افکار عمومی منطقه و جهان بسازند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که آمریکا خود عامل اصلی تشکیل و تأسیس گروه تروریستی داعش بوده است. رئیس‌جمهور آمریکا در حالی از نقش مؤثر و تعیین‌کننده ایالات متحده در عرصه مبارزه با تروریسم سخن می‌گوید که گویی اظهارات خود در جریان کمپین‌های تبلیغاتی پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ را فراموش کرده است. وی در آن زمان صراحتاً به نقش مستقیم و غیرقابل‌واشنگتن در تشکیل داعش اذعان کرد و خطاب به «اوباما» و «کلینتون» گفت: «این شما بودید که داعش را به وجود آوردید». بر همین اساس، اظهارات اخیر ترامپ در خصوص آغاز فصل جدید مبارزه با تروریسم توسط آمریکا پس از کشتن البغدادی را تنها می‌توان به حساب «فراقکنی» یا «ضعف مغرط حافظه تاریخی» وی نوشت.

مانور بر کشتن یک «مُرده متحرک»

مسأله دیگری که در خصوص بازی جدید آمریکایی‌ها حائز اهمیت به نظر می‌رسد این است که آن‌ها مانور بر کشتن یک «مُرده متحرک» یا همان «ابوبکر البغدادی» را برای بهره‌برداری‌های سیاسی و انتخاباتی، در دستور کار خود قرار داده‌اند. آمریکایی‌ها در حالی کشتن سرکرده ارشد داعش را برای خود افتخاری بزرگ و پیروزی غیرقابل‌وصف می‌دانند که تهدیدات داعش در سراسر کشورهای جهان اسلام و جهان عرب به حداقل ممکن رسیده و عملاً چیزی از این گروه تروریستی باقی نمانده است. این محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران بود که درست در شرایطی که تروریست‌های داعش از هیچ جنایتی علیه مسلمانان و غیرمسلمانان در سرزمین‌های اسلامی دریغ نمی‌کردند، ضربه مهلکی را بر پیکره آن‌ها وارد آوردند تا اینکه «سردار سلیمانی» فرمانده سپاه قدس حدود ۲ سال پیش به نمایندگی از محور مقاومت رسماً از پای سیطره داعش بر سرزمین‌های اسلامی خبر داد. بر این اساس، آمریکایی‌ها به کشتن «مُرده متحرکی» می‌بالند که وجود یا عدم وجود وی نمی‌تواند کوچکترین تغییری را در معادلات میدانی ایجاد کند.

طنز تلخ تشکیل تروریسم و نابودی آن

پس از انتشار خبر کشتن «ابوبکر البغدادی» توسط آمریکا بسیاری از کارشناسان و ناظران سیاسی اعلام کردند که طنز تلخی تحت عنوان «تشکیل و نابودی تروریست‌ها» توسط آمریکایی‌ها به راه افتاده است.

حدود ۱۰ روز پیش بود که ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که «ابوبکر البغدادی» سرکرده ارشد تروریست‌های تکفیری داعش را طی عملیاتی در استان «ادلب» واقع در شمال غرب سوریه به قتل رسانده است. نشریه آمریکایی «نیوزویک» اولین رسانه‌ای بود که خبر کشته شدن سرکرده ارشد داعش را مخابره کرد. اندکی پس از انتشار اخبار مربوط به کشته شدن «ابوبکر البغدادی»، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا سخنرانی کرد. وی در سخنان خود در این خصوص گفت: «البغدادی در یک تونل در حالی که مورد تعقیب بود، جلیقه انفجاری خود را منفجر کرد. البغدادی بزدلانه کشته شد؛ امروز روز بزرگی برای جهان است». رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه سخنان خود همچنین اظهار داشت: «در چند هفته گذشته البغدادی را زیر نظر داشتیم. نظامیان ما با ۸ فرزند بالغ در محل اختفای البغدادی فرود آمدند و عملیات قتل وی را به انجام رساندند». این اظهارات ترامپ با واکنش‌های متعددی در عرصه بین‌المللی مواجه شد.

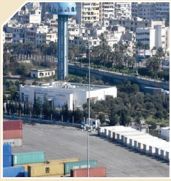
سرمستی عجیب متحدان واشنگتن

انتشار خبر کشتن البغدادی توسط ایالات متحده به نوعی موجب ایجاد سرمستی در متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور شد تا جایی که آن‌ها ضمن به فراموشی سپردن تمامی حمایت‌های مادی، تسلیحاتی و لجستیکی واشنگتن از تروریسم تکفیری، در کمال تعجب از آغاز فصل جدیدی از مبارزه با تروریسم سخن گفتند؛ به عنوان نمونه می‌توان به واکنش‌های ریاض و ابوظبی در این خصوص اشاره کرد. «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور آمریکا ضمن تبریک به واشنگتن! کشتن البغدادی را گامی تاریخی در زمینه مبارزه با تروریسم توصیف کرد. این در حالی است که وزارت خارجه امارات نیز با صدور بیانیه‌ای کشته شدن البغدادی را گامی مثبت در عرصه مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم عنوان کرد. این سرمستی متحدان واشنگتن که جملگی در طول سال‌های گذشته خدمات بسزایی را در راستای ادامه حیات تروریست‌ها در منطقه به آن‌ها ارائه کرده‌اند، بسیار قابل تأمل به نظر می‌رسد.

تشکیک روسیه در قتل البغدادی

با تمامی این‌ها، مقامات روسی واکنشی متفاوت از آنچه که پیشتر بدان اشاره شد، از خود نشان دادند و صراحتاً در کشته شدن سرکرده ارشد داعش تشکیک کردند. در همین ارتباط، «دیمیتری اسکوف» سخنگوی «کرملین» در سخنانی تأکید کرد که مسکو کشته شدن البغدادی توسط آمریکا را امری قطعی نمی‌داند. وی در ادامه اظهار داشت: «هر وقت مرگ ابوبکر البغدادی قطعی شد می‌توان درباره مشارکت آمریکا در عرصه مبارزه با تروریسم اظهار نظر کرد». این در حالی است که وزارت دفاع روسیه نیز با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد: «اطلاعات آمریکا درباره مرگ البغدادی ضد و نقیض است. هیچ اطلاعات موثقی درباره عملیات ارتش آمریکا در حمله به محل اختفای البغدادی در ادلب سوریه در اختیار نداریم».

این در حالی است که «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه



خط آهن سوریه به عراق و ایران متصل خواهد شد

وزارت حمل و نقل سوریه خبر داد سوریه در راستای اجرایی شدن پروژه راهبردی اتصال ریلی بندر امام خمینی به بندر لاذقیه، در حال احداث خط آهن دیرالزور به البوکمال است. وزارت حمل و نقل سوریه تأکید کرد که پروژه ریلی اتصال سواحل سوریه به عراق و سپس ایران توسط مقامات سه کشور در حال بررسی است. با احداث این مسیر ریلی، بندر امام خمینی در سواحل ایران در خلیج فارس به بندر لاذقیه در دریای مدیترانه متصل می‌شود. بر اساس پروژه مذکور در ابتدا عملیات اجرایی اتصال ریلی ایران به عراق از طریق شلمچه به بصره و در یک مسیر ریلی ۳۲ کیلومتری کلید می‌خورد که طرف ایرانی سرمایه‌گذار آن است. سپس مسیر ریلی اتصال شلمچه به بندر امام خمینی و بصره به لاذقیه تکمیل می‌شود.

«سیندرلا مرهج» کارشناس سیاسی لبنانی در گفت‌وگو با بیت المقدس:

جنبش اعتراضی لبنان میزان حامیان مقاومت بین مسیحیان را نشان داد

محمد مظهری



اعتراضات لبنان در حالی وارد هفته سوم خود شده که به اعتقاد بسیاری این اعتراضات طی سال‌های اخیر بی سابقه بوده است. مردم برای مطالبات معیشتی به خیابان‌ها ریخته و در برخی مناطق راه‌ها را بستند که البته با دخالت ارتش لبنان دوباره باز شدند. اما چیزی که اوضاع را پیچیده‌تر کرد استعفای نخست‌وزیر سعد حریری بود که علیرغم هشدار و تحذیرهای سید حسن نصرالله درباره پیامدهای انحلال دولت رخ داد و امروز لبنان منتظر تشکیل دولت جدید است. در همین زمینه مصاحبه‌ای با خانم «سیندرلا مرهج» از فعالان سیاسی مسیحی در لبنان و کارشناس مسائل حقوقی ترتیب دادیم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

مطالبات اصلی مردم لبنان و جنبش اخیرشان چیست؟

در ابتدا باید توضیح داده شود که وضعیت اقتصادی و معیشتی کنونی در لبنان باعث این همه خشم فروخورده نسبت به طبقه حاکم در دل‌های لبنانی‌هاست، طبقه‌ای که سی سال است قدرت را در دست دارد. پس از افزایش تورم و کسری بودجه و بالا رفتن بدهی دولت و سودهای مترتب بر آن مشخص شد که دولت لبنان قادر نیست سیاست‌های اقتصادی‌ای را تنظیم کند که لبنان را از اقتصادرانی به سمت اقتصاد تولیدی هدایت کند.

برای همین دولت برای رفع کسری بودجه دست به افزایش مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم زد که آخرین مورد آن هم بستن مالیات بر روی تماس‌های واتساپی بود که مردم را به خشم آورد. اگرچه پیش از انتخابات پارلمانی همه احزاب لبنانی اعتراف

لبنانی‌ها با تمام طیف‌ها و مذاهبی که دارند تحت یک پرچم متحدند و این جنبش رهبر ندارد چرا که یک شکل مدرن و غیر سنتی از انقلاب است

خارج از آن بافتنه‌گری جریان مسالمت‌آمیز آن را به هم بزنند. به نظر من تعطل دولت باعث این توطئه‌ها شد اما برخورد هوشمندانه ارتش در عدم استفاده از قوه قاهره علیه معترضان فضا را آرام‌تر کرد.

لبنان پس از استعفای سعد حریری را چگونه می‌بینید؟

نگاه من مثبت است. اگر چه نباید از تلاش‌هایی که جهت ضربه زدن به حزب الله و مقاومت صورت می‌گیرد غافل شد. به نظر من این جنبش به دلایل زیر می‌تواند مقدمه گذار به فرایند بهتر باشد:

۱. مردم معادله «ارتش، ملت و مقاومت» را تثبیت کرده‌اند و نشان داده‌اند که در صحنه حضور دارند و بر مسئولان نظارت می‌کنند و حساب می‌کشند و در برابر فساد ایستاده‌اند و همین روحیه خودسند ضمانت محور مقاومت است. علیرغم تلاش‌های برخی نفوذی‌ها کلیت این جنبش علیه مقاومت نبوده و نیست.
۲. برخی از مقاماتی که لیاقت پست‌شان را نداشتند کنار گذاشته شدند.
۳. ثابت شد که طرفداران مقاومت زیاد هستند به ویژه در میان مسیحی‌ها و این‌ها اعضا احزاب سنتی نیستند بلکه مستقل‌اند.
۴. مستقل‌ها و جامعه مدنی بی شک نقش مهمی در آینده لبنان خواهند داشت.
۵. این انتظار از رهبران احزاب می‌رود که گفتمان تحریک‌آمیز و فتنه‌انگیز احتمالی را کنترل کنند چرا که برخی بازنشسته‌های سیاسی برای بقای خود حاضرند کشور را به نابودی بکشند.

هستند. باید کمیته‌های نظارتی و نهادهای مدیریتی جدیدی تأسیس شود. کشور نیازمند بازسازی در سطح نهادی است. تاکنون ما عملاً در حالت هرج و مرج بوده‌ایم و همین وضعیت باعث شده به اینجا برسیم. آیا بخش برق، نفت و راه و ترابری ما کارآمد بوده؟ آیا سیستم بانکی ما توانسته از کشور در برابر سیطره و دستورات عمل و نسخه‌های خارجی حمایت کند؟ مسلمانان! لذا بر اساس چارچوب‌های نهادی تلاش ما ایجاد یک کشور مقاوم، روزآمد، پیشرفته و خودکفاست.

آیا در حوادث اخیر نشانه‌هایی از احتمال بالا گرفتن درگیری‌های مذهبی و بازگشت لبنان به دوره جنگ داخلی می‌بینید؟

حق باید گفته شود و کسی که حق را نکوید همان شیطان ساکت است. لبنانی‌ها با تمام طیف‌ها و مذاهبی که دارند تحت یک پرچم متحدند و این جنبش رهبر ندارد چرا که یک شکل مدرن و غیر سنتی از انقلاب است. هیچ حزبی این جنبش را رهبری نمی‌کند و مادر میدان‌ها حضور داشتیم و از نزدیک آن را حس کردیم. برخی احزاب تلاش کردند سوار این موج شده و طرفداران‌شان را وارد ماجرا کنند تا هدایت اعتراضات را به دست گیرند اما به نتیجه نرسیدند و در نهایت نمایندگان از دولت استعفادادند.

بله امروز برخی جریان‌ها در داخل جنبش نفوذ کرده‌اند که سعی دارند در راستای منافع حزبی و گروهی‌شان از این جنبش سوء استفاده کنند و در

شناختن جامعه مدنی شدند. دولت مد نظر معترضان یک دولت مستقل از طوایف و مذاهب است که در قالب دولت نجات مطرح شده است. مردم در واقع خواستار تحقق قانون نسبی بودن آراء در انتخابات به شکل واقعی و تغییر چهره‌های قدرت هستند. مردم خواستار حساب‌کشی از سازقان بیت‌المال هستند و دیگر به شعارهای گروهی و حزبی اعتماد نمی‌کنند.

آیا فکر می‌کنید این جنبش لبنان بتواند زمینه ساز لغو نظام سهم بندی قدرت و توافقنامه طائف شود؟

به نظر من چند احتمال در صحنه سیاسی فعلی لبنان قابل طرح است: اولاً توافقنامه طائف را نمی‌توان لغو کرد یا زیر پا گذاشت. بحث ما قانون اساسی است و توافقنامه طائف خودش هنوز به طور کامل اجرا نشده و از مهم‌ترین بندهایش هم همین تشکیل یک نظام غیر طائفی (مستقل از مذاهب) است.

از سوی دیگر این قانون اساسی نشان داده که نقاط ضعفی دارد و برخی بندهای متناقض در آن وجود دارد که زمینه ساز اختلافات خطرناکی است. وقتی معترضان می‌گویند تغییر نظام را می‌خواهند به

مردم معادله «ارتش، ملت و مقاومت» را تثبیت کرده‌اند و نشان داده‌اند که در صحنه حضور دارند و بر مسئولان نظارت می‌کنند و حساب می‌کشند و در برابر فساد ایستاده‌اند و همین روحیه خودسند ضمانت محور مقاومت است

معنای بی‌نظمی محض نیست. همه می‌دانند که سازوکار تغییر باید از راه قانون اساسی و راهکارهای قانونی باشد و بر همین اساس هم جنبش باید صلح‌آمیز بماند. هیچ کس در لبنان نمی‌خواهد نهادهای قانونی را سرنگون کند، اما شخصیت‌های مستقل و روشنفکران خواستار روزآمد کردن قوانین

داشتند که فساد و دزدی بیت‌المال فراگیر شده اما هیچ سازوکاری برای مقابله با این وضعیت ایجاد نشد. لذا معترضان خواستار سقوط دولت، مبارزه با فساد، بازگشت اموال به غارت‌رفته، تغییر نظام طائفی و تبدیل آن به یک دولت مدنی، تقویت تأمین اجتماعی، برقراری عدالت و رفع ظلم و به رسمیت

[اسلام انقلابی]

به آیین این شریعت زندگی می‌کردند قطعاً دنیا همانطور می‌شد که همگان آرزویش را دارند. بعد از آن درخواست معرفی کتاب‌هایی برای مطالعه کردم و مطالعه چند جلد نخست آن کتاب‌ها برای درک این حقیقت که نه آیین جدیدی به وجود آمده است و نه شورش و خراب‌کاری در کار است، کافی بود. به یک سال نرسید که به جز خودم، همسر، برادرانم و خانواده همسر هم به تشیع مشرف شدند. دیگر به درک کاملی از حقیقتی که نام آن را اغتشاش و آشوب گذاشته‌اند رسیده بودم. اینها عناوینی بود که فقط به جرم یک باور به شیعیان نیجریه نسبت داده می‌شود. آن هم بعد از اینکه ما از تمام حقوقمان یعنی حق کار، تحصیل، خرید و فروش و ایجاد کسب و کار محروم می‌شویم. ما تمام این سختی‌ها را به جان خریدیم چون می‌دانستیم چه گوهر ارزشمندی به دست آورده‌ایم اما آن‌ها جز به تغییر عقیده ما رضی نبودند و نیستند. عاشورای همان سال ماموران امنیتی به خانه ما که در آن خودمان در کنار هم مراسم عزاداری گرفته بودیم یورش آوردند و دو برادر من در این هجوم وحشیانه به شهادت رسیدند. همه این ظلم‌ها در حالی به ما وارد شده است که در نیجریه تبلیغ وهابیت کاملاً آزاد است، مدارس زیادی از طرف بزرگان این فرقه در نیجریه ساخته می‌شود و هر روز به شمار آن‌ها اضافه می‌شود که کودکان نیجریه‌ای بدون هیچ مشکلی و در بسیاری از موارد بدون پرداخت هیچ گونه هزینه‌ای می‌توانند در آن‌ها درس بخوانند. تغییر دین از خداناباوری به وهابیت یا مسیحیت به وهابیت آزاد است و این کار به شکل رسمی و قانونی انجام می‌شود اما بزرگ کردن مجالس عزایه جز در یکی از شهرهای بزرگ که تقریباً تمام جمعیت آن در حال حاضر از شیعیان هستند، حتی در خانه‌های شیعیان هم ممنوع است و کوچکترین حرکتی از طرف مردمی که تمام حقوق مدنی و شهروندی‌شان از آنها سلب شده است، شورش و اغتشاش خوانده می‌شود.

مطالعه چند جلد نخست آن کتابها برای درک این حقیقت که نه آیین جدیدی به وجود آمده است و نه شورش و خراب‌کاری در کار است، کافی بود. به یک سال نرسید که به جز خودم، همسر، برادرانم و خانواده همسر هم به تشیع مشرف شدند



خیلی اوقات دیگر در اثنای رفت و آمدهایم به سالن استراحت بیمارستان اخبار درگیری شدید نیروهای امنیتی و ارتش با خرابکاران از رادیو به گوشم خورد، با تمام شدن شیفتم لباس‌هایم را عوض کردم و از بیمارستان خارج شدم. چند خیابان پایین‌تر متوجه شدم درگیری‌های ذکر شده به نزدیکی محل کار ما رسیده است. راه بند آمده بود و پیکر جان باختگان و جوانان زخمی جا به جا گوشه و کنار خیابان افتاده بود. ممنوعیت کمک رسانی پزشکی به آنها چند ثانیه بیشتر نتوانست مرا وادار به بی‌تفاوتی بکند. سر یکی از جوان‌ها که توی پیاده‌رو افتاده بود بدجور خون ریزی داشت. بی‌اختیار به طرفش رفتم تا فکری به حال زخم سرش بکنم. خون ریزی شدید بود و اگر او را به بیمارستان نمی‌رساندم حتماً از بین می‌رفت. به هر سختی بود او را از روی زمین بلند کردم و به محل کارم بردم. همان جا جلوی در جلویمان را گرفتند و به محض اینکه گفتم یکی از زخمی‌های اغتشاشات است از ورودمان به بیمارستان جلوگیری کردند. بعد از آن طولی نکشید که اصرار من برای پذیرش بیمار پای پلیس را به بیمارستان باز کرد و من درست فرای آن روز از کار اخراج شدم. نه تنها از بیمارستانی که قریب به هفت سال سابقه کار در آن داشتم، بلکه تمام بیمارستان‌های دیگر هم از همکاری با من منع شده بودند. آن هم فقط به خاطر اینکه تلاش کرده بودم به وظیفه خود به عنوان یک پزشک عمل کنم. اما چیزی که بیشتر از این تصمیم ظالمانه مرا اذیت کرد مرگ آن جوان، همان روز و همانجا پیش چشمانم بود. همین مساله باعث شد تا از سر لجبازی با حکومت هم که شده درصدد آشنایی با تشیع و شیعیان بر بیایم اما عمر این لجبازی دوسه روز بیشتر نبود. من از سر عصبانیت و به قصد قانون شکنی به سمت آشنایی با تشیع کشیده شدم اما با هر کلمه‌ای که شنیدم دلم لرزید و به خودم آمدم. تک تک مفاهیم برخاسته از جان و مطابق آمال و آرزوهایم بود. وجدانم معترف بود که اگر مردم

◀ الهه آخرتی

حقیقت آنچه در نیجریه می‌گذرد



با ذره‌ای توجه می‌توان پی به شباهت غیر قابل انکار آنچه در کشورهایی مانند نیجریه در جریان است با دوران صدر اسلام برد. مردمی که به محض آشنایی گوش و ذهنشان با پیام رسالت پیغمبر خاتم (ص) و مجاهدت‌های اهل بیت (ع) ایشان، به این مفاهیم و باورها دل می‌بازند و بهای این عاشقی را با از دست دادن شغل، سرمایه، امنیت، حقوق اجتماعی و مدنی و در نهایت جان شیرین می‌پردازند.

محمد حیدر. ع که شرح چگونگی اسلام آوردن، انتخاب مذهب تشیع و سختی‌هایی که به دنبال این گرایش متحمل شده تنها یکی از تابلوهای درخشان، تاثیر گذار و پردرد این روزهای شیعیان نیجریه است درباره زندگی خود به خبرنگار بیت المقدس می‌گوید: «من پزشک هستم. به ما یعنی همه پزشکان و بیمارستانها دستور داده شده بود که حق پذیرش و مداوای افرادی موسوم به شیعیان که به دنبال درگیری‌های خیابانی به دست پلیس زخمی می‌شوند، را نداریم. شناختی از این گروه و دلایل شورش‌شان نداشتم. مثل خیلی‌ها فقط همین حد درباره‌شان شنیده بودم این افراد بعد از گردیدن به دینی خودساخته، دست به فعالیت‌های خرابکارانه در کشور می‌زنند. بر اساس همین شنیده‌ها و اطلاعات مختصر از شیعیان و اخباری که هر روز درباره خراب کاری‌هایشان گسترده‌تر می‌شد، خوشم نمی‌آمد. با این وجود حکم حکومتی که بیمارستان و پزشکان را از مداوای زخم‌های آنان باز می‌داشت رانه می‌فهمیدم و نه می‌پسندیدم. هر چه بود آنها مردم همین کشور بودند و بالاتر از آن انسان. یک روز بعد از اینکه مثل

قصه از آنجا شروع شد که از چند سال پیش سردمداران وهابیت با توجه به ضعف ساختاری بیشتر حکومت‌ها و کمتر توسعه یافته بودن مباحث عقلی و نظری در زمینه‌های گوناگون و متاثر از مشکلات اقتصادی، کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقایی را هدف مناسبی برای ترویج باورهای انحرافی خود دانستند. رویه‌ای که از حدود دو دهه قبل خیلی جدی در دستور کار قرار گرفت و به این منظور اقدامات فراوانی در قاره سیاه عملیاتی شد. در مقابل گسترش این قبیل فعالیت‌ها، دلسوزان و دغدغه‌مندان حقیقی اسلام که عمدتاً از بومیان این کشورها بودند که غالباً بعد از انفجار نور انقلاب اسلامی در ایران راه و رسم دین داری را آموخته بودند هم به تکاپو افتادند تا پرده از غربت چهره اسلام ناب بردارند.

فعالیت‌های گروه دوم اگر چه محدودتر و بسیار ساده‌تر و کم خرج‌تر از گروه اول بود اما از آنجا که مبتنی بر نامه نجات انسان است با استقبال چشم گیر سیاهپوستان آفریقا خصوصاً در برخی کشورها مواجه شد. به طوری که موجبات نگرانی بزرگان وهابیت را فراهم آورد و فشارهای آن‌ها بر دولت‌های یول پرست حاکم در آن کشورها، زمینه ساز وضع سخت‌ترین قوانین برای جلوگیری از گردیدن مردم به مذهب تشیع توسط حکومت‌های وابسته شد.

تویتر حساب‌های وابسته به حزب الله لبنان را بست

تویتر اقدام به بستن اکثر حساب‌های وابسته به جنبش مقاومت اسلامی لبنان (حزب الله) و نیز حساب‌های وابسته به شبکه المنار لبنان در این شبکه اجتماعی کرد. شبکه المنار اعلام کرد که حساب‌های تویتری متعلق به این شبکه تلویزیونی بدون ارسال هیچ گونه هشدار از قبل، بسته شده است. شبکه مذکور اعلام کرد که این اقدام در راستای اعمال فشارهای سیاسی به المنار صورت گرفته و حساب‌های این شبکه در تویتر دست کم یک میلیون دنبال کننده داشته است. پیش از این اعضای کنگره آمریکا از مدیر اجرایی تویتر خواسته بودند که این شبکه اجتماعی، شرایط را در عرصه فضای مجازی برای حزب الله و حماس محدود کند.



رامین ولی زاده میدانی

چشمه صلح آنکارا در سوریه خشک می‌شود



تجاوز آنکارا به خاک سوریه که تحت عنوان عملیات «چشمه صلح» در شمال این کشور آغاز شده بود، با توافق جداگانه ترکیه با واشنگتن و مسکو به صورت موقت متوقف شد؛ اما عدم پایبندی آنکارا به توافقات مذکور سرانجام به درگیری نظامی بین ارتش سوریه و ترکیه منجر شد. آنکارا هفدهم مهر ماه (نهم اکتبر) به همراهی تروریست‌های موسوم به «ارتش آزاد سوریه» برای تثبیت حضور خود در سوریه و کوچاندن مهاجران سوری به منطقه‌ای تحت عنوان «منطقه امن» در شمال سوریه به خاک این کشور تجاوز کرد. نوشتار حاضر به بررسی نتایج درگیری‌های ارتش سوریه با نظامیان ترکیه در شمال سوریه و توافقات جداگانه آنکارا با واشنگتن و مسکو در مورد منطقه مذکور می‌پردازد.

سوریه، آنکارا را نماینده واشنگتن در جنگ دانسته است که باید خاک سوریه را ترک کند. بنا بر اعلام بشار اسد، عدم خروج نیروهای ترکیه‌ای از سوریه با واکنش سخت مواجه خواهد شد. نیروهای مقاومت و ارتش سوریه با ورود به مناطق شمالی این کشور بر حضور دولت مشروع سوریه در این مناطق تأکید کردند؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون ارتش سوریه بر اکثر مناطق شمالی مسلط شده است و این روند تا اشراف کامل بر آن تداوم خواهد داشت. بر این اساس هدفی که نیروهای مقاومت در این زمینه دنبال می‌کنند بازگشت مناطق مذکور به کنترل دولت سوریه است. در حال حاضر نیروهای دموکراتیک سوریه نیز به دنبال پیوستن به ارتش سوریه هستند. «الهام احمد» رئیس کمیسیون اجرایی «شورای دموکراتیک سوریه» که شاخه سیاسی نیروهای دموکراتیک سوریه را تشکیل می‌دهد، امکان پیوستن این نیروها به ارتش را مطرح کرده است. از آنجایی که واشنگتن به دنبال تجاوز نظامی ترکیه به شمال سوریه در قالب «عملیات چشمه صلح» از مواضع خود عقب‌نشینی کرد، یگان‌های مدافع خلق به عنوان گروهی که متحد واشنگتن شمرده می‌شدند، از نوع موضع‌گیری آمریکا انتقاد کردند. این مسئله آن‌ها را به همکاری بیشتر با دمشق سوق داده است؛ لذا اهداف اعلامی آنکارا در تجاوز نظامی به شمال سوریه میان تهی می‌شود. دلیل این موضوع عبارت است از اینکه ترکیه پس از پیوستن نیروهای دموکراتیک سوریه به ارتش این کشور نمی‌تواند حضور نظامی یگان‌های مدافع خلق را در شمال سوریه در تضاد با امنیت ملی خود تعریف کند.

در مجموع می‌توان اظهار داشت تجاوز نظامی ترکیه به خاک سوریه نه تنها به اهداف خود دست پیدا نکرد، بلکه همکاری مردم شمال سوریه با دولت دمشق را بر جسته ساخت. اقدام نظامی آنکارا باعث شده است که نیروهای مقاومت و ارتش سوریه به پاسکاری نهایی نیروهای ترکیه‌ای و عناصر وابسته به این کشور را به صورت جدی آغاز کنند. این موضوع پایانی بر حضور عناصر تروریستی وابسته به آنکارا در ادلب نیز خواهد بود که بدین ترتیب خاک سوریه از لوث تروریست‌ها و حامیان آن پاک می‌شود. برآیند اقدامات تروریست‌ها و حامیان آن‌ها در سوریه به ضرر این گروه و به نفع محور مقاومت تمام می‌شود.

کشور و برای پاسخ به تجاوز ترکیه اقدام به پیشروی به سمت مناطق مرزی با ترکیه کردند. درگیری‌هایی که نیروهای مقاومت و ارتش سوریه با ترکیه در قبال تجاوز آشکار این کشور به شمال سوریه داشتند، دستاوردهای مهمی را به همراه آورده است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد این موضوع معادلات آنکارا را در این زمینه با اختلال مواجه ساخته است. ارتش سوریه به محور جنوبی شهرک «ابوراسین» در حومه استان حسکه وارد شده است. همچنین نیروهای مقاومت بر مناطقی از شمال شرق حسکه از جمله روستاهای «ام حرمه»، «باب‌الخیر»، «ام عشبه» و «الاسدیه» مسلط شده‌اند. درگیری‌ها در منطقه «تل‌الورد» واقع در ریف رأس‌العین استان حسکه نیز از جمله درگیری‌های مستقیم نیروهای سوری با ترکیه به شمار می‌آید. این درگیری به دنبال آن روی داد که اشغالگران ترکیه و مزدوران آن‌ها روستاهای المحمودیه و الدربر را در این منطقه اشغال کرده بودند. درگیری‌های ارتش سوریه با ترکیه در محور روستاهای باب‌الخیر و ام‌عشبه در حومه شرقی رأس‌العین موجب شد که نیروهای سوری به سه کیلومتری مرزهای ترکیه برسند. ورود نیروهای سوری به شهر الدرباسیه

و شهرک عامودا در حومه شمالی شرقی حسکه از دستاوردهای دیگر در این زمینه هستند. اقدام تجاوز کارانه ترکیه به دنبال پیشروی‌های نیروهای مقاومت و ارتش سوریه به سمت مناطق مرزی با ترکیه عملاً این بست جدی مواجه شد. هر چند آنکارا ممکن است از تحقق اهداف عملیات خود سخن به میان آورد؛ اما حقیقت ماجرا عبارت است از اینکه ترکیه در حال حاضر امکان پیشروی در خاک سوریه را ندارد. هم‌زمان با حضور نیروهای سوریه در مناطق مرزی با ترکیه، نیروهای دموکراتیک سوریه نیز از توافق خود با ارتش این کشور خبر دادند که این موضوع به معنای همکاری کردهای سوریه با دمشق برای مقابله با تجاوز ترکیه محسوب می‌شود. مردم مناطق مرزی نیز از حضور نیروهای ارتش سوریه استقبال کردند. همه این تحولات مقدمه‌ای برای مقابله جدی با تجاوز نامشروع ترکیه به خاک سوریه به شمار می‌آید. بر این اساس یگان‌های رزمی ارتش سوریه مواضع خود را در مناطق مرزی با ترکیه تقویت کرده‌اند.

بشار اسد اعلام کرده است که تجاوز آنکارا به خاک سوریه به دنبال طمع‌ورزی ترکیه به خاک این کشور و در راستای مقاصد واشنگتن انجام گرفت. رئیس‌جمهور

تجاوز نظامی ترکیه به خاک سوریه نه تنها به اهداف خود دست پیدا نکرد، بلکه همکاری مردم شمال سوریه با دولت دمشق را بر جسته تر ساخت



تجاوز نظامی ترکیه به شمال سوریه پس از هشت روز در بیست و پنجم مهر ماه (۱۷ اکتبر) به دنبال توافق مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به صورت موقت و به مدت پنج روز متوقف شد. این اقدام برای خروج نیروهای دموکراتیک سوریه از منطقه‌ای که آنکارا از آن تحت عنوان منطقه امن نام می‌برد، انجام شد. مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه نیز به دنبال این توافق، توقف عملیات چشمه صلح را به معنای آتش‌بس ندانست، بلکه آن را فرصتی برای خروج یگان‌های مدافع خلق ارزیابی کرد.

رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین روسای جمهور ترکیه و روسیه سی‌ام مهر ماه (۲۲ اکتبر) پس از گذشت پنج روز از توافق آنکارا و واشنگتن در سوچی با یکدیگر دیدار کردند و از توافق جدید پرده برداشتند. طرفین در این توافق اعلام کردند که یگان‌های مدافع خلق طی یکصد و پنجاه ساعت به فاصله سی کیلومتری از مرز ترکیه عقب‌نشینی می‌کنند. آن‌ها اعلام کردند که نیروهای ترکیه‌ای و روسی در منطقه مذکور اقدام به گشت‌زنی مشترک خواهند کرد. «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه پس از توافق سوچی نهم آبان ماه از عقب‌نشینی سی کیلومتری یگان‌های مدافع خلق از مرز ترکیه سخن به میان آورد. روسیه در حال حاضر ۳۰۰ نیروی پلیس نظامی به همراه ۲۰ خودروی زره‌پوش را برای گشت‌زنی مشترک با نیروهای ترکیه‌ای در شمال سوریه مستقر کرده است. بشار اسد در واکنش به توافق مسکو و آنکارا اعلام کرده است که این توافق گام مثبتی محسوب می‌شود؛ اما همه اهداف را محقق نمی‌سازد.

توافقات مذکور در حالی انجام شده است که ترکیه نه تنها به آن پایبند نبوده، بلکه مواضع ارتش سوریه را از جمله در حومه شرقی شهر رأس‌العین مورد هدف قرار داده است. اقدام تجاوز کارانه آنکارا در شمال سوریه در ۱۲۹ اکتبر با سارت ۱۸ نفر از نیروهای ارتش سوریه در جنوب شرقی رأس‌العین به وسیله تروریست‌های ارتش آزاد سوریه چهره واقعی خود را به نمایش گذاشت. مقامات ترکیه در حالی که ادعا می‌کردند به دنبال مقابله با یگان‌های مدافع خلق هستند، نیروهای ارتش سوریه را در این اقدام آشکار مورد هدف قرار دادند. البته تجاوز کاری آنکارا به اندازه‌ای مبرهن بود که ناچار شد نیروهای ارتش سوریه را آزاد سازد. نیروهای ارتش سوریه به دنبال تحولات جدید در شمال این



تبادل ۷۰۰۰ اسیر طی ۴ سال در یمن
 «عبدالقادر مرتضی» رئیس کمیته ملی امور اسرای انصارالله یمن گفت که از آغاز فعالیت این کمیته در سال ۲۰۱۵ تا کنون ۷۰۰۰ اسیر از دو طرف جنگ آزاد شدند. المرتضی افزود: این اسرا از طریق انجام میانجیگری و تفاهات محلی طی ۳۰۰ عملیات مبادله اسرا آزاد شدند. وی گفت: عربستان سعودی پس از مذاکرات صلح استکهلم سوئد همه پیشنهادهای ارائه شده از سوی نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور یمن برای مبادله اسرا را رد کرد و اجازه مبادله را نداد. مستعفی یمن و جنبش انصارالله در مذاکرات صلحی که ۱۳ دسامبر سال گذشته (۲۲ آذر ۹۷) در استکهلم پایتخت سوئد انجام شد، به توافق هایی از جمله موضوع مبادله اسرای دو طرف دست یافتند اما این توافق ها با توجه به اختلاف ها اجرا نشد.

قلب زمین

امیر محمد اسماعیلی

«نیروی سوم» و چالش دموکراسی در غرب آسیا



در هنگام صحبت از ناآرامی های اخیر در غرب آسیا باید به دو واقعیت مهم توجه کرد. واقعیت هایی که غفلت از هر یک می تواند هزینه هایی گزاف برای دولت-ملت ها به دنبال داشته باشد. از سویی هر چند خواسته های مردمی در این ناآرامی ها به حق بوده و دولت های هر دو کشور باید در حل این خواسته ها همت گمارند؛ اما از سویی دیگر، غفلت از «نیروی سوم» ناهمسو با منافع مردم این کشورها، می تواند آسیب های غیر قابل جبرانی را به دنبال داشته باشد.

بعنوان نمونه، کشور عراق با بحران های فراوانی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست به گریبان بوده است که شاید هر کدام از این بحران ها بتوانند نظام یک کشور را از تعادل خارج کند. در واقع می توان چالش پیش روی عراق را چالشی از نوع ثبات سازی در داخل و پس از چالش امنیتی عنوان کرد. بی شک مردم عراق خواسته هایی به حق دارند و این خواسته ها باید در چارچوب قانون محقق شوند. در این میان مرجعیت عالی شیعه عراق -حضرت آیت الله العظمی سیستانی- نیز بر برطرف شدن این خواسته ها در چارچوب قانون صحنه گذاشتند. از سویی دیگر لبنان به عنوان دماسنج غرب آسیا، شرایط دیگری را تجربه می کند که با عراق تفاوت دارد. اعتراضات در این کشور به افزایش ناگهانی هزینه مکالمات و اتسای بی باکی مردم و در واقع پاسخ به شوکی است که دولت لبنان بدون در نظر گرفتن وضع معیشتی مردم، بر آنان وارد کرده است. اگر چه پس از مدتی خواسته های مردم عمق بیشتری یافت و خواستار برخی اصلاحات دولتی شدند. در این مورد هم شکی وجود ندارد که باید خواسته های مردم بررسی و از چارچوب قانون پاسخ مناسبی به آن داده شود.

چنانچه مطرح شد اگر بپذیریم که خواسته های مردم در این دو کشور، که هر یک به نحوی دارای ساختار دموکراتیک هستند باید مورد بررسی قرار گیرد؛ اما نباید از یک واقعیت ملموس در خصوص غرب آسیا غفلت کنیم. غرب آسیا به عنوان محیطی استراتژیک که مناسبات آن می تواند مناسبات جهانی را تغییر دهد، همواره به عنوان منطقه ای حساس از سوی قدرت های بیگانه دیده شده است. به عبارتی دیگر، نمی توان از تحولات غرب آسیا سخن به میان آورد و نقش نیروهای مخرب بیگانه را از تحلیل دور داشت. برخی از کارشناسان روابط بین الملل و سیاست خارجی بر این امر تأکید دارند که عراق و لبنان در حال «تمرین دموکراسی» در کشورهای خود هستند! اما نکته ای که از سوی این تحلیل گران مورد غفلت واقع شده است، حضور نیروی سومی ناهمسو با منافع دولت ها و ملت های منطقه است. هر چند در فرانسه نیز جلیقه زردها بعد از هفته ها

اجتماعی حزب الله را مشاهده کرد. قاعده های نانوخته در غرب آسیا وجود دارد که یکی از دلایل اصلی بقای چند دهه ای رژیم اشغالگر قدس بوده است. بر اساس این قاعده لازم است تا توجه از مرزهای رژیم صهیونیستی به درون مرزهای اسلامی کشانده شود. به عبارتی تا زمانی که منازعه درونی در جوامع اسلامی وجود داشته باشد، توجه کمتری برای مقابله با این رژیم وجود خواهد داشت و پیروزی های

رژیم های مترجع عربی، ایالات متحده، گروه های تروریستی، اعضای برخی احزاب منحل شده و مزدوران داخلی است. از مشخصه های ویژه این جریان منحرف کردن مسیر اعتراضات و مواجهه با جریان های مقاومت است. موضوعی که در عراق خود را به شکل حمله به مراکز حشد الشعبی و ترور فرماندهان مقاومت نشان داد و در لبنان نیز حضور پرآکنده برخی هسته های ضد مقاومت در جریان تظاهرات.

تظاهرات در کشوری دموکراتیک نتوانسته اند خواسته های خود را محقق کنند؛ اما در این میان شاهدان هستیم که در این کشور به ظاهر دموکراتیک، نیروی سوم قدرتمند ناهمسویی وجود ندارد که در صدد منفعتمندی باشد. در واقع فرانسه در جریان اصلی لیبرال سرمایه داری در حال حرکت است و نه سایر کشورهای سرمایه داری و نه رسانه های منتسب به آن ها قصد مخدوش سازی چهره این نظام حاکم را ندارند. لذا کمتر از فرانسه، آسیب ها و کشتارهای مردمی شنیده و خوانده می شود. در واقع تمایلی نیز از سوی رسانه های سرمایه داری برای پوشش این تظاهرات مردمی وجود ندارد.

در خصوص هر کشور دیگری که راهکاری به جز پذیرش سرمایه داری را انتخاب کند، شرایط متفاوت خواهد بود. این موضوع در مورد کشورهای محور مقاومت که موضع تقابلی با سرمایه داری را اتخاذ کرده اند، کاملاً متفاوت است. این نیروی سوم ناهمسو تلاش می کند ابتدا خود را در جهت حرکت مردم نشان دهد و بعد از مدتی به منظور غالب کردن خواسته های خود بر این قدرت مردمی سوار شود و به اصطلاح با موج سواری مسیر خواسته ها را کاملاً تغییر دهد. در جریان اعتراضات اخیر عراق و لبنان، نیروی سوم نسبتاً ائتلاف قدرتمندی است. این ائتلاف مجموعه ای متشکل از دولت های غربی، رژیم اشغالگر قدس،

با شروع موج بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا، این نیروی سوم ناهمسو به خوبی توانست رویکردهای ضد استکباری را از میان برداشته و به تدریج مسیر انقلاب ها را به سمت دیگری هدایت کند

اخیر محور مقاومت با برهم زدن تمام معادلات منطقه در حال متمرکز کردن افکار عمومی و توانمندی های جوامع اسلامی برای مبارزه با رژیم صهیونیستی است و لذا تمام تلاش مثلث عبری - غربی - عربی برای مخدوش ساختن چهره محور مقاومت و حتی از میان برداشتن آن است. نکته تاریخی دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که با شروع موج بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا، این نیروی سوم ناهمسو به خوبی توانست رویکردهای ضد استکباری را از میان برداشته و به تدریج مسیر انقلاب ها را به سمت دیگری هدایت کند. این همان درسی است که کشورهای جهان اسلام باید به خوبی در حافظه نگه دارند. انقلاب در مصر، تونس و لیبی بدین دلیل شکست خورد که به خوبی نتوانست این نیرو را مهار کرده و خواسته های خود را با رویکردی ضد استکباری دنبال کند.

لذا اکنون می توان به برخی دلایل پنهان دیگر شعله ورتر شدن تظاهرات در عراق و لبنان به صورت روشن تری پاسخ داد: سیاست های منطقه ای مستقل دولت عادل عبدالمهدی؛ خرید تجهیزات نظامی از روسیه؛ عدم پیوستن به اتحاد امنیت در بانوردی آمریکا؛ بازگشایی مرز القائم -البوکمال؛ معرفی اسرائیل به عنوان عامل حمله به حشد الشعبی؛ تثبیت حشد الشعبی به عنوان یکی از نیروهای مسلح قانونی عراق و ابلاغ چارت رسمی این تشکل نظامی؛ عظمت موضوع وحدت بخش اربعین و عدم همراهی با تحریم ها علیه ایران. در خصوص لبنان اگر چه می توان سعد حریری را ضعیف ترین نخست وزیر تاریخ لبنان عنوان کرد، اما در پشت پرده برخی شعارهای ساختار شکنانه متفرق می توان شکست های اخیر منطقه ای مثلث غربی -عربی- عربی از محور مقاومت و افزایش نفوذ سیاسی و

قاعده های نانوخته در غرب آسیا وجود دارد که یکی از دلایل اصلی بقای چند دهه ای رژیم اشغالگر قدس بوده است. بر اساس این قاعده لازم است تا توجه از مرزهای رژیم صهیونیستی به درون مرزهای اسلامی کشانده شود



می زند از کربلا تا مسجد الاقصی صلا

کاظم رستمی

باد، شرقی می وزد فریادهای ویرانه اش
ابر، باران می زند کوه غم من شانه اش
بغض، طوفان می شود می خانه ویران می شود
خشم، آتش می شود پیرهن تن خانه اش
می زند خون سیبوش از بیم مقتل به دشت
صوت قرآنی گلیوی غنچه در دانه اش
ناله های زدفرتگیس از یمن تا شام درد
آی کیخسرو بزن آتش به دیو و لانه اش
از عقیق زرد ما خون صبوری می چکد
حرفها دار دل در نجف با دانه اش
عاقبت از عصر عاشورا تنه من می رسد
می شکافد نیل را یا حیدر جانانه اش
بر درفش کاویانی یا لئارات الحسین
یا علی ظافر حدید همت مردانه اش
می زند از کربلا تا مسجد الاقصی صلا
می کشد ضحاک را در آخرین افسانه اش

خیلی دور خیلی نزدیک



در حالیکه با اقدامات و خیرسازهای هدایت شده از داخل عربستان، تلاش می شود اعتراضات عراقی ها به سمت ایران جهت داده شود، اما واقعیت چیز دیگری است؛ پرچم آمریکا و رژیم صهیونیستی در میدان تحریر، زیر پای معترضان عراقی.

«تحوالات مصر» را تخصصی دنبال کنیم



بدون شک «مصر» از مهمترین کشورهای عربی دنیاست که در سده های اخیر نقشی موثر و بعضا تعیین کننده در تحولات جهان اسلام و نیز جهان عرب داشته است. ۹ سال قبل این کشور که سالها تحت دیکتاتوری خاندان مبارک اداره می شد، شاهد انقلابی گسترده بود که همزمان با موج فراگیر بیداری اسلامی، در آنجا هم اتفاق افتاد. اگر چه این انقلاب سرنوشته تاریک پیدا کرد و از مسیر خود کاملا خارج شده و سپس شرایط مصر به دوران مبارک بازگشت اما کماکان این کشور از جایگاه مهمی برخوردار بوده و اخبار تحولات آن برای علاقمندان مسائل جهان اسلام و موضوعات منطقه ای واجد اهمیت است. کانال تلگرامی «مطالعات مصر» از جمله معدود رسانه های فارسی زبانی است که تمرکز خود را تنها بر اخبار این کشور قرار داده و بطور مستمر تحولات مصر را در کانال خود منعکس می کند. انتشار اخبار رسمی مصر و فعالیت ها و اظهار نظر مقامات و نهاد های رسمی این کشور از جمله بخش های ثابت این کانال است. همچنین بازنشر برخی تصاویر جذاب و کمتر دیده شده قدیمی و یا بازنشر عکس و فیلم های مرتبط با تحولات جاری مصر دسته دیگری از مطالب کانال است. در مجموع با نگاهی به مطالب کانال، می توان دریافت که محتوای آن در همراهی و نزدیکی با مواضع هیئت حاکمه کنونی مصر است. برای دسترسی به کانال مطالعات مصر با یاد از لینک <https://t.me/Egyptstudies> بهره گرفت.

گذری علمی بر انقلاب مظلوم بحرین



«خیزش مسکوت، تحولات انقلابی بحرین» اثر پژوهشی جدیدی است به تحولات داخلی جزیره جنوبی ایران می پردازد که حدود ۹ سال است درگیر انقلاب مردمی است. این اثر که نوشته علی بغیری است تلاش می کند تا با رویکردی علمی و با تکیه بر داده های میدانی، قیام مردم مظلوم و ستمدیده بحرین را مورد آرزو یابی و تحلیل قرار دهد. در چکیده این کتاب آمده است: تحولات بحرین ویژگی هایی دارد که آن را از تحولات مشابه خود در کشورهای دیگر متمایز می سازد. پر رنگ بودن عامل شیعیان، طولانی شدن این تحول در عین تبدیل نشدن آن به جنگ داخلی و سکوت نهاد های مؤثر بین المللی و رسانه ها، بر خیز از این ویژگی های منحصر به فرد هستند. چرایی سکوت رسانه ای در قبال خیزش این کشور دغدغه اصلی این اثر است. بنا بر این، کتاب حاضر می گوید تا با بررسی ابعاد مختلف تحولات انقلابی بحرین، به نحوی ماهیت آن را مشخص سازد که خواننده بتواند از گذر مطالعه آن خود به خود به پاسخی مناسب برای سکوت نهاد ها و رسانه های بین المللی در قبال تحولات بحرین دست یابد. خیزش مسکوت را انتشارات اندیشه سازان نور در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده است.

«احلام» گوشه ای از جنایت های آمریکا در عراق را ورق می زند



سال های اشغال عراق از سوی آمریکا و کشورهای هم پیمانانش آنقدر با اتفاقات تلخ و حوادث ناگوار روبرو بوده است که تا سالیان متمادی می تواند دست ما به ساخت انواع فیلم های سینمایی و داستانی قرار بگیرد. فیلم سینمایی «احلام» (روایها) از جمله این آثار است. این فیلم بر جسته، بیننده را در اوج آشفتگی بغداد در سال ۲۰۰۳ غوطه ور می سازد. دو نفر از بیماران روانی ساکن تیمارستان، ناگهان خود را در میان خیابان ها، سربازان آمریکایی، ساختمان های مخروبه و بمب های می یابند. این فیلم را محمد الدراجی، کارگردان جوان و خوش فکر عراقی کارگردانی کرده است و تهیه کنندگی آن را آتیا الدراجی و محمد الدراجی بر عهده داشته اند. فیلم احلام بر اساس داستانی از خود الدراجی و در سال ۲۰۰۵ ساخته شده است و کشورهای سازنده آن عراق، هلند و انگلستان هستند. این فیلم در یازدهمین جشنواره بین المللی فیلم مقاومت هم حضور یافت. «احلام» نخستین فیلم محمد الدراجی است که در جشنواره های مختلف با استقبال مواجه شد، بعد از آن فیلم های زیادی ساخت. ام حسین، فیلم دیگری از همین فیلمساز است و زیر شن های بابل تازه ترین اثر سینمایی اوست.